گمشده بزرگ ایران و جریان مقاومت

رکن آبادی؛ کلید فاجعه منا

■ زهرا طباخی

غضنفر اصل رکن‌آبادی دیپلمات ایرانی متولد ۱۳۴۵ در قم است و از ۱۳۸۹ تا اردیبهشت ۱۳۹۳سفیر ایران در لبنان بود و پس از روی کار آمدن دولت روحانی، عملا از کار بیکار شـد. وی دارای دکترای علوم سیاسی از دانشگاه بیروت است.

العربیه از رکن‌آبادی به عنوان وزنه‌ای سیاسـی در لبنان یاد می‌کند که در نزدیکی احزاب این کشور برای توافق بر سر دولت، نقشی اساسـی داشته و از روابـط محکمی با حزب‌الله برخوردار است.

رکن‌آبـادی پیش از این در آبان ۹۲ در جریان حمله گروه تروریسـتی «گردان عبـدالله عزام» وابسـته به اسـتخبارات سعودی هدف قرار گرفته بود که در جریان آن فاجعـه، دو ملـت ایران و لبنـان عزادار شـهادت جمعی از شهروندان خود در لبنان شدند. از جمله رایزن فرهنگـی ایـران در لبنان، حجت‌الاسـلام انصاری؛ در حالـی کـه دو دقیقه قبل از وقوع حمله تروریسـتی، رکن‌آبـادی از در سـفارت خارج شده بود.

پس از آن که العربیه، رسانه رسمی سعودی‌ها مدعی شد رکن آبادی اصلا در حج ۹۴ حضور نداشته، افخم، سخنگوی وقت وزارت خارجه، این خبر را شتاب‌زده خواند و گفت: رکن‌آبادی با گذرنامه عادی خود عازم سفر حج شده و اطلاعات دقیق گذرنامه مربوط به همه حجاج و از جمله وی، در اختیار مراجع رسمی دولت سعودی است و هیچ‌گونه شائبه‌ای درباره اطلاعات و جزئیات مربوط و نحوه ورود آقای رکن‌آبادی به کشور عربستان وجود ندارد.

جنگ روانی سعودی‌ها در بحبوحه دیپلماسی لبخند وزارت خارجه کشورمان به حدی بالا گرفت که هشتگ «ایران حاجیان را می‌کشد» در شبکه‌های اجتماعی کشورهای عرب منطقه از جمله امارات و کویت و عربستان به ده کمپین برتر مهرماه تبدیل شد! به این ترتیب نه تنها سعودی‌ها مسئولیت فجایع حج ۹۴ را نپذیرفتند بلکه با مقصرنمایی ایران، به سوء استفاده از دیپلماسی ضعیف وزارت خارجه کشورمان نیز مبادرت ورزیدند.

یک سهل‌انگاری دیپلماتیک دیگر

کمتر از یک ماه پس از این عملیات تروریستی، ماجد الماجد، فرمانده واحد لبنان و سوریه گردان عبدالله عزام به دام افتاد اما در کمتر از چند روز اعلام شد که به علت نارسایی کلیوی مرده است! درسـت در همان موقع عبدالباری عطوان، روزنامه‌نگار برجسته عرب و سردبیر روزنامه الرأی الیوم، در صفحه توییتر خود اعلام کرد که به‌باور وی، ماجد الماجد قربانی یک توطئه شده تا نتواند نسبت به جنایات و اسرار خود اعتراف کند.

دسـتگیری ماجد الماجد برای جمهوری اسلامی ایران یک اتفاق بسیار ارزشمندی بود. طی سالیان گذشته اسناد و اطلاعات قابل توجهی از دسـت داشتن سرویس اطلاعاتی سعودی در برخی ناامنی‌های شرق کشور به‌دست آمده بود. گنجینه اطلاعات عبدالمالک ریگی یکی از این منابع بود، اما افشای پشت پرده آنچه در بیروت و در مقابل سفارت ایران رخ داد؛ می‌توانست یک ضربه مهلک بر پیکر حکومت سعودی باشد.

مشـارکت ایران در روند بازجویی از ماجد الماجد می‌توانسـت اطلاعات بسـیار گرانقدری را نصیب ایران کند. اطلاعاتی که طرح آن در دادگاه‌های بین‌المللی منجر به اثبات حمایت عملی حکومت عربستان از تروریسم در منطقه می‌شد. اثبات دست داشتن عربستان در انفجار یک سـفارتخانه قاعدتا منجر به منزوی شدن این کشور در بعد دیپلماسـی می‌شد. از سوی دیگر طرح دعوا علیه حکومت عربستان، می‌توانست تضمینی برای کاهش شیطنت‌های سعودی در شرق ایران باشد.

بازهم سعودی برنده شد؟!

«کیس ماجد» یک اولویت امنیتی - دیپلماتیک بود و بر همین اساس انتظار می‌رفت دستگاه دیپلماسی ایران گروهی را به ریاست شـخص وزیر خارجه یا یکی از معاونان وی به بیروت اعزام کرده و تمهیدات لازم برای ممانعت از اجرایی شدن سناریوی مرگ جعبه سیاه اطلاعاتی عربستان را به کار ببندد. با این حال و به‌رغم اهمیت این موضوع، متاسـفانه عربستان‌سـعودی در رقابت با ایران بر سر مورد ماجد الماجد تحرکات وسـیع‌تری را انجام داد و در نهایت نیز رازهای‌گنجینه اسرار و شاه ماهی بندر بن‌سلطان با مرگ مشکوکش آشکار نشد.

اکنون باز هم دسـت ایران به واسطه پرهیز دستگاه دیپلماسی کشورمان از بروز قاطعیت در پرونده مفقودان عالی‌رتبه ایرانی فاجعه منا، زیر ساطور سعودی‌های صهیونیست است.

رکن‌آبـادی، گنجی از اطلاعات بین‌المللی، به خصوص به علت ارتباطش با حزب‌الله در زمان حضورش در لبنان محسوب می‌شود. آخرین تماس با سـفیر سابق ایران در لبنان، در روز عرفه و به طور مشخص از عرفات انجام شده بود؛ به طوری که وی در برابر ده‌ها هزار ایرانی و میلیون‌ها بیننده‌ای که مراسم حج را از طریق تلویزیون مشاهده می‌کردند، بیانیه پایانی را در مراسم برائت از مشرکین قرائت کرد و فریاد «مرگ بر آمریکا» و «مرگ بر اسرائیل» سر داد.

حسن قشقاوی، معاون وزیر خارجه اعلام کرده احتمال‌های زیادی درباره رکن‌آبادی مطرح اسـت؛ از جمله ربوده شدن وی در عربستان و انتقالش به فلسطین اشغالی!

گمانه مشترک اروپایی‌ها و ایرانی‌ها

گزارش‌هـای سـازمان اطلاعات یکی از کشورهای اروپایی نشان می‌دهد احتمالا سـازمان جاسوسی خارجی رژیم صهیونیستی (موساد) شماری از فرماندهان سپاه پاسداران و دیپلمات ایرانی را در جریان فاجعه منا ربوده است.

برخی محافل دیپلمات اروپایی در بروکسل معتقدند آنچه در رمی‌جمرات در منا در مکه مکرمه و در نخستین سـاعات روز عیـد قربان و هنگام ازدحام در رمی‌جمرات اتفـاق افتاد، ناشـی از یک «عملیات طراحی شده» و از پیش تدارک دیده توسط برخی سازمان‌های اطلاعاتی اسرائیلی و سعودی علیه شماری از مسئولان سپاه و برخی مسئولان دولت از جمله تعدادی از دیپلمات‌ها و تلاش برای ربودن آنها بوده است. با این وجود تحرک خاصی در وزارت خارجه برای پیگیری وضعیت رکن‌آبادی و چند فرمانده سپاه مفقود ایرانی مشاهده نمی‌شود.

علی اصغـر فولادگر رئیس دفتر مطالعات راهبردی سـپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز از دیگر شخصیت‌های مهمی است که کماکان جزو مفقودان اسـت و دستگاه سیاست خارجی ما گویا در تمام این مدت به دنبال ایجاد روابط حسنه با سعودی‌ها بوده است!

همه دردسرهای دیپلماسی تاریخ گذشته

اعتبار پاسپورت ایرانی در جیب کیست؟!

■ سرویس اجتماعی

روابـط ایران و عربسـتان همواره زیر سـایه حج تعریف شـده اسـت و نحوه برگزاری مراسم حج و نوع رفتار سعودی‌ها بـا بعثه ایرانـی و حتی زائران سایر کشورهای شیعه‌نشین از جمله افغانستان آیینه تمام‌نمای ماهیت روابـط دیپلماتیک دو طرف بوده است.

در بین اعضـای عالی‌رتبه کاروان بعثه رهبر انقلاب افرادی کلیدی وجود دارند که به طور معمـول وظیفه رتـق و فتق امور مهـم و مذاکره با مدیران عالی‌رتبـه و میانی سـعودی در طول برگـزاری ایام حج را عهده‌دار هستند.

نمایه این مذاکرات و برآیند آرایش دیپلماتیک دو کشور در مقابل یکدیگـر را می‌توان در «میزان همکاری‌هـا»، «نحوه برگزاری دعای کمیل»، «کیفیت رفتار سعودی‌ها با زائران ایرانی و سایر شیعیان» و «مراسم برائت از مشرکین» و «سلوک پلیس آل‌سـعود در مکـه و مدینه» مشاهده کرد.

پرستیژ ایرانی عامل کنترل سعودی

برخلاف باورهای دیپلماتیک ارائه شـده در چند سال اخیر، سعودی‌ها همواره در حال رقابت با قدرت منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ایران بوده‌اند و آنچه در این میان به کنترل رفتارهای رقابت‌آمیز و حسـادت‌آلود آنها انجامیده، قدرت و مهم‌تر از آن «پرستیژ قـدرت ایران» بوده اسـت.در ادبیات سیاسی جهان پرستیژ را برآیندی از قدرت نرم و سخت یک کشور معرفی می‌کنند. به طور مثال مشهور است که اگر روسـیه توانی برابر ۵ در عرصه قدرت داشته باشد با احتساب پرستیژ جهانی خود را چند برابر ۵ واحد مذکور نمایش می‌دهد.

رسم کاروان بعثه مقام معظم رهبری به عنوان تصمیم‌سـاز نهایی در بحران‌های احتمالی و معمولا هر ساله حج این است که «مذاکره از موضع قدرت» را در سطوح مختلف حفظ می‌کند. گاهی حتی سطح اعمال قدرت در حین برگزاری مراسم دعای کمیـل در بین‌الحرمین مدینه در انـدازه «نگاه‌های معنادار» تبادل شـده میان افسر ارشد اسـتخبارات سـعودی و مدیر میانی بعثه رهبری اسـت که در میدان حاضر اسـت. همین میزان حفظ دیسـیپلین و ابراز برتری در مواجهه با سعودی‌های دمدمی‌مـزاج در اغلـب موارد کارگشـا بوده اسـت. شـاهد تاریخی ایـن ماجرا را می‌توان در اعتراف دولتمردان کشورمان به تغییر رفتار مدیران عالی‌رتبه سـعودی با مسـئولان ایرانی حاضر در عربسـتان به جهت پیگیری وضعیت حجاج ایرانی پس از وقـوع فاجعه منا، تنها یک سـاعت پس از سخنرانی تهدیدآمیـز رهبـر انقلاب در دانشگاه نیروی دریایی دید. امام خامنه‌ای پس‌از کارشکنی‌های پی‌درپی سـعودی‌ها علاوه بر نصیحت آنها به مسئولیت‌پذیری و عذرخواهـی از مسـلمانان فرمودند: « اندک بی‌احترامی به حجاج ایرانی موجب عکس‌العمل ایران خواهد شد، عکس‌العمل ما سخت و خشن خواهد بود.»

کوچک‌سازی کاروان بعثه

امسـال به واسـطه برخی رفتارهای ضدامنیتی سعودی‌ها در حج دو سـال اخیر، کاروان بعثه بـا کاهش نفرات و حذف برخی نیروهـای کلیدی عازم مکه و مدینه شده بود.

به گفته کارشناسان همین تعدیـل اجباری نیرو و رشـد نیروهـای حاضر ذیـل برخی مدیریت‌های موازی، در شـیوه مدیریـت سـعودی‌ها پس از حـوادث پـر تعداد حـج ۹۴، موثـر واقع شـد و نوعی چند صدایی در حوزه دیپلماسـی با سعودی‌ها بعضا مشاهده شد که در افزایش رفتارهای ضدایرانی و بی‌ملاحظه سعودی‌های تازه به دوران رسـیده پس از مرگ عبدالله کم‌تاثیر نبود.

همچنیـن شکسـت‌های رسمی آل سعود در میدان‌های رقابتی منطقه‌ای با ایران اعم از بحران سـوریه و یمن و بحرین و عـراق و افغانسـتان و لبنان همراه با تضعیف ساختار درونی آل‌سعود پس از مرگ عبدالله و ترس از قدرت گرفتن شیعیان در حجـاز، بر میزان اسـترس داخلی آنها به شـدت افزود. اما این همه ماجرا نیست!

تنش‌زدایی یا واگذاری ابزارهای کنترلی؟

در کنـار افزایـش ناآرامی درونی آل سعود و جنگ قدرت آشکار میزان شاهزادگان تشنه قدرت، تحریک شدید قومیتی مردم سـعودی با هدف حفظ مولفه‌های وحـدت درونی در «جنگ با عامـل بیگانه» ذیل انتشـار گسـترده گمانه‌های مضحکی همچون «خطر حمله یمنی‌ها به حرمین شریفین!» در دستور کار حاکمیت قرار گرفت.

در چنیـن موقعیتی دولت کشورمان نیز به سبب تغییرات ایجاد شده در دستگاه سیاست خارجـی، رفتارهـای کنترلی برآمده از «پرسـتیژ قدرت» با سعودی‌ها را به نام تنش‌زدایی به کل بایگانی کرد و در مقام تقبیح «ابزارهای کنترلی» دولت‌های قبل برآمد.

روحانی۲۷مهر۹۲، به تبعیت از هاشمی رفسنجانی از رابطه حسـنه ایران و عربسـتان در زمانی سخن گفت در حالیکه که تهران در مسائلی چون حکومت اسد در سوریه، حمایت از نوری مالکی، برکناری حسنی مبارک و حضـور نظامیان در حکومت مصر، جنگ در لیبی و تحرکات داعش و القاعـده و همچنین مسئله انقلاب شیعیان بحرین، اختلاف عمیقی با سیاست‌های ریاض داشت.

در همیـن دوره بـود که هاشمی‌رفسـنجانی نیـز در سخنانی غیرقابل باور در حالی که ایران و حزب‌الله در حمایت از تمامیـت ارضی سـوریه در برابـر ائتلاف صهیونیسـتی، روزانه شـهید می‌دادند؛ بشار اسد، متحد منطقه‌ای جمهوری اسـلامی را همزمان با جنگ روانی پرحجم رسانه‌های غربی و سـعودی، متهم به بمباران شیمیایی مردم خود کرد!

تضعیف اقتدار ملی و کارشکنی سعودی

دیپلماسـی رسـمی و صـدای دولت یک کشـور در فضـای بین‌الملـل تاثیر دارد و ایـن موضوعی نیسـت که تنها با «دیسـیپلین ابرقدرتی قاسم سـلیمانی» و تلاش‌های شـبانه‌روزی سـپاه و سـایر نیروهای نظامی کشور و در بعد محدودتـر «میانجیگری بعثه رهبری» در طی مراسـم حج قابل جبران باشد.

وقتی هاشمی‌رفسنجانی به عنوان مدعی غیررسمی هدایت سیاست خارجی دولت یازدهم، تیرگی روابط ایران و عربستان را حاصل «تندروی هر دو طرف» یا «جنـگ سـرد در دوره ۸ ساله گذشته» معرفی می‌کند، طبیعی‌ترین پالسی که به دشمن می‌رسـد این است که دستگاه سیاسـت خارجی ایران هنوز دقیقا نمی‌داند علت رفتارهای سـعودی در منطقه چیست و گمان دولتمردان چنین است که ائتلاف حامی اسـرائیل در منطقه، به سـلیقه سیاسـی گروهی افراطی در ایران انتقاد دارند و ایـن خصومت دوره‌ای نیز با سـفر هاشمی‌رفسنجانی به عربستان و تمجید از پادشاه درگذشـته آل سعود و شراکت شاهزادگان عربستان در بورس تهران و زیرساخت‌های نفت و گاز ایران، بـزودی به خوبی و خوشی تمام خواهد شد و نفت نیز مجـددا با لطف و مرحمت پادشاه سعودی‌گران می‌شود!

پـس در شـرایطی که به واسـطه اجرای سیاست تاریخ مصرف گذشته «تنش زدایی» فشـار سیاسـی ثابت وارده به آل سـعود از جانـب دولـت ایران به شـدت کم شـده بود و قـدرت در سایه‌سـار بهت و حیرت پادشاه آلزایمری حجاز به دسـت جوانکی ماجراجو و قدرت‌طلب و به شدت وابسته به صهیونیسـت‌ها افتاده بود، حادثه سقوط جرثقیل و فاجعه منا رخ داد.

۲۳ ایرانی از جمله دانشمند فضایی ارزشمند ایرانی «احمد حاتمی» از دسـت رفتند و در مورد ماجد الماجد تحرکات وسـیع‌تری را انجام داد و در نهایت نیز رازهای‌گنجینه اسرار و شاه ماهی بندر بن‌سلطان با مرگ مشکوکش آشکار نشد.

اکنون باز هم دسـت ایران به واسطه پرهیز دستگاه دیپلماسی کشورمان از بروز قاطعیت در پرونده مفقودان عالی‌رتبه ایرانی فاجعه منا، زیر ساطور سعودی‌های صهیونیست است.

رکن‌آبـادی، گنجی از اطلاعات بین‌المللی، به خصوص به علت ارتباطش با حزب‌الله در زمان حضورش در لبنان محسوب می‌شود. آخرین تماس با سـفیر سابق ایران در لبنان، در روز عرفه و به طور مشخص از عرفات انجام شده بود؛ به طوری که وی در برابر ده‌ها هزار ایرانی و میلیون‌ها بیننده‌ای که مراسم حج را از طریق تلویزیون مشاهده می‌کردند، بیانیه پایانی را در مراسم برائت از مشرکین قرائت کرد و فریاد «مرگ بر آمریکا» و «مرگ بر اسرائیل» سر داد.

حسن قشقاوی، معاون وزیر خارجه اعلام کرده احتمال‌های زیادی درباره رکن‌آبادی مطرح اسـت؛ از جمله ربوده شدن وی در عربستان و انتقالش به فلسطین اشغالی!

گمانه مشترک اروپایی‌ها و ایرانی‌ها

گزارش‌هـای سـازمان اطلاعات یکی از کشورهای اروپایی نشان می‌دهد احتمالا سـازمان جاسوسی خارجی رژیم صهیونیستی (موساد) شماری از فرماندهان سپاه پاسداران و دیپلمات ایرانی را در جریان فاجعه منا ربوده است.

برخی محافل دیپلمات اروپایی در بروکسل معتقدند آنچه در رمی‌جمرات در منا در مکه مکرمه و در نخستین سـاعات روز عیـد قربان و هنگام ازدحام در رمی‌جمرات اتفـاق افتاد، ناشـی از یک «عملیات طراحی شده» و از پیش تدارک دیده توسط برخی سازمان‌های اطلاعاتی اسرائیلی و سعودی علیه شماری از مسئولان سپاه و برخی مسئولان دولت از جمله تعدادی از دیپلمات‌ها و تلاش برای ربودن آنها بوده است. با این وجود تحرک خاصی در وزارت خارجه برای پیگیری وضعیت رکن‌آبادی و چند فرمانده سپاه مفقود ایرانی مشاهده نمی‌شود.

علی اصغـر فولادگر رئیس دفتر مطالعات راهبردی سـپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز از دیگر شخصیت‌های مهمی است که کماکان جزو مفقودان اسـت و دستگاه سیاست خارجی ما گویا در تمام این مدت به دنبال ایجاد روابط حسنه با سعودی‌ها بوده است!

کمپین بی‌کفایتی آل سعود: جنگ مجازی شهروندان خشمگین ایرانی و افغان و پاکستانی و لبنانی و عراقی و مسلمانان نیجریه و الجزایر و یمن و بحرین با آل سعود به واسطه موضع گیری‌های فضاحت بار و فرار از پذیرش مسئولیت فجایع رخ داده در حج امسال حقیقتا جدی و آشکارکننده عمق نفرت ملت‌های منطقه از آل سعود بود. انرژی عظیمی که متاسفانه اسیر بی‌انگیزگی دیپلمات‌ها شد و امید به رمزگشایی از علت واقعی بروز فجایع امسال حج در دادگاهی بین‌المللی را به شدت کمرنگ کرد.

استقبال از موضع رسمی و قاطعانه رهبر انقلاب در تهدید آل سعود به علت کارشکنی در رسیدگی به وضعیت حجاج آسیب دیده و اجساد مطهر شهداء، در فضای شبکه‌های اجتماعی بسیار زیاد بود. بازنشر جملات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در قالب تصویرسازی‌های مردمی به زبان‌های فارسی و عربی و انگلیسی، مرهمی بر دل دردمند ایرانیان خشمگین و ملت‌های مظلوم مسلمان منطقه شد و سیلی بر صورت مغرور و بی‌کفایت دستگاه سیاست خارجی عربستان نواخت.

پاسپورت ایرانی و سعودی افسار گسیخته

شکی نیسـت که جان به در بردن سـلمان و پسرش از چنیـن موقعیت پرخطری، راه را برای فتنه‌انگیزی منطقه‌ای بیشـتر و تلاش برای جاگیری در ژئوپلیتیـک آینده منطقه هموار خواهـد کرد و آن زمان دیگر فرصتی بـرای کمک به ایجاد تغییرات منطقه‌ای مثبت با هدف تامین حداکثری منافع ملی ایران باقـی نخواهد ماند. به نظر می‌رسـد تصور مدیران فعلی دستگاه سیاست خارجی کشورمان از «منافع ملی» بسیار حداقلی اسـت بـه طوری که فرصت‌های دیپلماتیک بسیار مهم در منطقه را رها سـاخته و فضـای ایجاد شـده به نفع شکل‌گیری وحدت اسلامی علیه منفورترین مهره‌های اسرائیلی آل‌سـعود را برای نقش‌آفرینی حداکثری صهیونیست‌ها، بدون مزاحم رها سـاخته و کماکان درصدد اجرای سیاست «آشتی با سعودی» هستند! سیاستی که موجب شد ظریف در ۲۳ مهر ۹۴ در حالـی که هنوز تکلیف مفقودین ایرانی حادثه منا معلوم نشده بود در گفت‌وگو با روزنامه کویتی بگوید: «مامعتقدیم که عربسـتان از سـوی داعش و تروریسم هدف قرار گرفته است، مـا به دنبال پیشـرفت روابط دوسـتی و مودت با دوسـتان عربستانی خود هستیم(!)»

این همان صدای دیپلماسی ضعیفی اسـت که می‌تواند به سـرعت ذخیره اعتبار و عزت «پاسـپورت ایرانی» را به انتها برساند!

۲۵ مهـر ۹۴، وزیر خارجه کشـورمان در صحبت‌هایـی قابـل تامل خطر «حذف ایران توسط عربستان» را به رسمیت شناخت! وی در پاسخ به سؤال خبرنگار آلمانی در مورد رابطه ایران با کشورهای همسایه‌اش از جمله عربسـتان اظهار کرد: «ما به دنبال حذف عربسـتان نیسـتیم و از طرف دیگر اجازه نمی‌دهیم که عربستان، ایران را از منطقه حذف کند. تلاش این کشـور برای حذف ایران باعث خونریـزی و دامن زدن به درگیری‌ها در منطقه شده و این موضوع باید متوقف شود.»

برتری دیگر ساخته

ایـن موقعیتی اسـت که سـعودی‌ها برای دستیابی به آن حتی متحمل «زحمت» نیز نشده‌اند و تنها با سوءاستفاده از دسـت پایین دستگاه سیاست خارجـی کشـورمان آن را به چنگ آورده‌اند.

به این ترتیب آل سعود در بحرانی‌ترین موقعیت سیاسی خـود، در شـرایطی که حتی به سـبب تحریک حداکثری احساسـات میهنی در جنگ با «عامل خارجی» به واسـطه عـدم موفقیـت در برگزاری آبرومندانه مراسم حج به شدت در برابـر مـردم حجاز خفیف شده اسـت، با سوء استفاده از فقدان عنصر مهم «پرستیژ» در سیاست خارجی ایران، نمایشی فرامنطقه‌ای را در میز مذاکرات تصمیم‌سـازی پیرامون آینده سوریه و سایر متحدان ایران در منطقه، اجرایی می‌کند.

اکنـون همان فـردی که ظریـف در ۱۲ اردیبهشـت ۹۴، بـا پیامی خطـاب به وی انتصابش به سمت وزیر خارجه عربستان را در بحبوحه بمباران شـیعیان یمن به جـرم اتحاد با ایران تبریک گفته و نوشـته بود، امیدوار اسـت که در دوره مسئولیت جدید عادل‌بن‌احمد الجبیر شـاهد گسترش روابط دو ملـت و دو دولت جمهوری اسـلامی ایـران و پادشـاهی عربستان سعودی باشیم؛ مکرر در فضای بین‌المللی به تحریک کشورهای منطقه بر ضد ایران و تهدید رسمی کشورمان اقدام می‌کند!

چرا رئیس جمهور برای پیگیری حادثه منا به ایران نیامد؟

حسـام الدین آشنا مشاور رئیس جمهور در مورد این که «چه موقع رئیـس جمهور از فاجعه منا مطلع شد»، گفت: پس از آن که هواپیما در نیویورک فـرود آمد و مقـداری معطل ماندیم (که این معطلی دلیل خاصی هم داشت) وزیر محترم خارجه با دکتر روحانی تماس گرفـت و خبـر ایـن حادثه را داد.

وی در پاسخ به سئوالی در مورد عملکـرد رئیس‌جمهور، با بیان اینکـه «دکتر روحانی مرد بحران‌ها و حادثه‌هاست»، گفت: چهره ایشان تغییر کرد و خطاب به وزیر خارجه گفت چنـد نفر؟ کـه دکتر ظریف، عددی را گفت.

رئیس‌جمهور در ادامه گفت شـما برای این عـدد، آن‌قدر برافروخته نشده‌اید.

مشاور رئیس‌جمهور افزود: رئیس‌جمهور ایـن آمادگی را داشـت تا به کشـور برگردد، ایشان با معاون اولشان در تهران صحبـت کردند که در پی این تماس تلفنی از آخرین وضعیت مطلع شـدند و جمع‌بندیشان این بـود که اگر در تهران این تصمیم وجود داشته باشد که ایشان به کشور برگردند آمادگی برگشت را داشتند.

وی اضافه کرد: بررسی‌های لازم انجام شـد و جمع‌بندی این بـود که حضور ریاسـت جمهور در سازمان ملل کمک می‌کنـد تا ابعـاد بین‌المللی فاجعه منا مورد بررسی بیشتری قرار گیرد.

آشـنا یادآور شد: از طرف دیگـر تیمـی کـه در تهران کار می‌کرد و مسـئولیت‌ها را گرفته بود تشخیص دادند که می‌توانند مدیریت کار را انجام دهند و حضور رئیس جمهور در سازمان ملل می‌تواند اثرگذارتر باشد.

توقع بازگشت به ایران؟!

آشنا در پاسخ به این سوال مجری برنامه که پرسید «برخی توقع داشتند رئیس‌جمهور به کشور بازگردد» گفت: تصمیمات رئیس‌جمهور به واسطه خیلی از مولفه‌ها صادر می‌شود و به این سـادگی کـه می‌گویید، میسر نمی‌شود.

وی ادامه داد: ضمن اینکه دکتر روحانی همان ابتدا معاون اول خود را مسـئول پیگیری حادثـه کرد، مرتبـاً با تهران، مکه و حتی منا در ارتباط بود. رئیس سـازمان حج و زیارت، سفیر ایران در عربستان، وزیر کشـور، وزیر دفـاع و معاون اول رئیـس جمهور نیز مرتب وی را در جریـان امـور قرار می‌دادند.

وی درباره این که آیا برنامه سفر رئیس جمهور به نیویورک نیمـه کاره ماند یا خیر اظهار داشت: بخشی از ملاقات‌هایی که مربوط بـه روز آخر بود به طرف‌های مقابـل اطلاع داده شد که رئیس جمهور نمی‌تواند دیگر در نیویورک بماند و اگر آنها می‌توانند زمان ملاقات‌ها را جابه‌جـا کنند کـه بر این اسـاس بخشـی از ملاقات‌ها جابه‌جا شد.

آشنا بیان داشت: اما ملاقات رئیس جمهور با کشـورهای عرب، لبنـان، مالزی، آفریقای جنوبی، تونس و دیدار با رهبران اسـلامی آمریـکا و مصاحبه مطبوعاتی ایشان لغو شد.